

دبیر کمیته کردستان محمد آسنگران  
Tel: 00491635112025  
E-mail: moasangaran@googlemail.com

مسئول ارتباطات شهرهای کردستان عبدال گلپریان  
Tel: 00358 405758250  
E-mail: abdolgolparian1@gmail.com

# ایسکرا

## ۵۹۹

اساس سوسیالیسم  
انسان است.  
سوسیالیسم  
جنش باز گرداندن  
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

www.m-hekmat.com

www.iskraa.net

نشریه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

چهارشنبه ها منتشر میشود

۹ آذر ۱۳۹۰، ۳۰ نوامبر ۲۰۱۱

سردبیر: عبدال گلپریان

## انقلاب مصر و چالشهای پیش رو



محمد آسنگران

سرکوبگر و ستون اصلی حفظ نظام سرمایه داری در مصر را متقاعد کردند که نباید در این مرحله هدف خود را حفظ مبارک تعریف کند. بر این اساس ارتش خود را حامی انقلاب و مایل به رفتن مبارک نشان داد. اجرای این سیاست باعث ایجاد توهماتی در میان افشاری از مردم شد. گویا صفحه ۳

با شروع انقلاب در مصر دول غرب و آمریکا از سیاستهای مبارک برای سرکوب انقلاب حمایت کردند. در اجرای این سیاست با سد محکم مبارزات مردم مواجه شدند و عقب نشینتند. هنگامیکه متوجه عمق و ابعاد نارضایتی مردم شدند و به این نتیجه رسیدند که نمیتوانند آنرا شکست بدهند راه چاره را در این دیدند که انقلاب را مهار کنند. برای مهار انقلاب مدیریت این بحران سیاسی را با اتکا به هدایت ارتش و نیروهای نظامی به پیش بردند.

با توجه به نفوذی که آمریکا در ارتش مصر داشت این ارگان

## عذرخواهی اردوغان به دلیل کشتار مردم کرد!

زیر سوال برده شود. " او در عین حال گفت حزبی که پشت این فاجعه قرار دارد حزب عدالت و توسعه نیست بلکه حزب جمهوری خواه مردم (سی اچ پی) است که باید با این رویداد مواجه شود"

اینکه شمار کشته شدگان منطقه درسیم چند هزار نفر بوده است دقیقا معلوم نیست و برخی از مفسرین شمار کشته شدگان را بیشتر از ۱۴ هزار نفر ذکر میکنند. در این حملات مناطق مسکونی با انواع بمبها و از جمله بمب های سمی بمباران شد و نیروی زمینی نیز مردم را بیرحمانه به گلوله بستند. علاوه بر کشتار بیش از ۱۴ هزار نفر صفحه ۲

مناطق نبود. بلکه به خاطر کشتار فجیع هزاران نفر از زن و مرد و پیروان در سالهای بین ۱۹۳۶ تا ۱۹۳۹ یعنی در آستانه جنگ دوم جهانی بود. او گفت "اگر لازم باشد از جانب دولت عذرخواهی کنیم، من عذرخواهی خواهم کرد. من عذرخواهی میکنم." او در سخنرانی خود به کشتار ساکنین شهر "درسیم" (نام کنونی آن توچلی است) در زمان کمال اتاتورک اشاره کرد و با استناد به اسناد دولتی گفت که در حملات هوایی و زمینی به ساکنین این شهر ۱۲۸۰۰ نفر ساکنین آن کشته شدند. او گفت "درسیم یکی از ترازیک ترین رویدادهای تاریخ کنونی ماست. این فاجعه در انتظار اینست که زیر نورافکن قرار گیرد و جسورانه



کاظم نیکخواه

رجب طیب اردوغان نخست وزیر ترکیه روز چهارشنبه گذشته (۲۱ نوامبر) در جلسه ای با شرکت مقامات حزب اسلامی "عدالت و توسعه" از کشتار مردم مناطق کردنشین توسط نیروهای دولتی ترکیه عذرخواهی کرد. اما این عذرخواهی به دلیل حملات اخیر ارتش ترکیه به مناطق کردنشین یا به دلیل دستگیریهای گسترده و زندانی کردن هزاران نفر از مردم این

## کارگران فضای سبز شهر سنندج دست به تجمع اعتراضی زدند

صفحه ۵

## گزارش تصویری از مراسم بیستمین سالگرد تشکیل حزب

شدند با شهرداری مرکزی سنندج موضوع را در میان بگذارند که نهایتا قرار شد روز دوشنبه برای رسیدگی به خواستههای کارگران، شهردار مرکزی سنندج با آنان ملاقات حضوری داشته باشد.

لازم به یادآوری است در این تجمع، کارگران ناحیه ۳ فضای سبز شهر سنندج شرکت داشتند و قرار بر این شد که روز دوشنبه کارگران دو منطقه دیگر نیز در مقابل شهرداری

صفحه ۶

بنا بر گزارشهای رسیده به اتحادیه آزاد کارگران ایران، حدود ۱۰۰ نفر از کارگران فضای سبز شهر سنندج در اعتراض به اخراج سه ماهه خود در هر سال، از ساعت ۱۰ صبح تا نزدیک ظهر روز یکشنبه در مقابل دفتر فضای سبز این شهر در خیابان دیدگاه دست به تجمع اعتراضی زدند.

بنا بر این گزارش در ادامه این تجمع مسئولین فضای سبز شهر سنندج برای پاسخگویی به کارگران ناچار



## تیراندازی ماموران رژیم بسوی کارگران مرزی

در صفحه ۲

# آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از صفحه ۱ **عذرخواهی اردوغان...**

ساکنین درسیم و روستاهای اطراف آن، بیش از ۱۲ هزار نفر نیز به تبعید و کوچ اجباری کشیده شدند و این منطقه عملاً به منطقه ای مخروبه و خالی از سکنه تبدیل شد.

**چرا عذرخواهی؟ چرا امروز؟**

این که امروز بعد از بیش از ۷۰ سال از این فاجعه، یکی از بالاترین مقامات دولت ترکیه بالاخره به قتل عام مردم کرد در منطقه درسیم اعتراف میکند، روشن است که نمیتواند زندگی هایی که بیرحمانه نابود شد را بازگرداند و درد و مشقت مردم را کاهش دهد. اما برای جنبش ضد ستمگری و تبعیض در کردستان یک رویداد مهم است. تاکنون دولت ترکیه رسماً این کشتار و جنایات مشابه را قبول نکرده و یا مسبب آنرا خود کردها معرفی کرده است. این اولین بار است که یک مقام بلند پایه دولتی از این فاجعه سخن میگوید و به ابعاد فجیع آن و استفاده از گازهای سمی و تبعید و دستگیریهای گسترده اعتراف میکند. این اعتراف در مبارزه حق طلبانه مردم مناطق کردنشین برای خلاصی از تبعیض و ستم ملی بسیار مهم است زیرا میتواند علیه خود ستمگران و دولت کنونی بکار گرفته شود. اما اینکه چرا اردوغان به این اعتراف تن میدهد دلایل دیگری دارد. اساس مسأله طبعاً فشار افکار عمومی است. اما او در واقع میخواهد با این اعتراف اولاً راه ورود ترکیه به اتحادیه اروپا را هموار کند، و از سوی دیگر همانگونه که مستقیماً اشاره میکند، میخواهد فشار افکار عمومی را روی اپوزیسیون اصلی حکومتش یعنی "حزب جمهوریخواه مردم" بگذارد و مانع قدرت گیری آن در انتخابات

کسی از مقامات ترکیه مسئولیت این کشتارها و قتل عامهای فجیع تاریخ بشری را که بدست ناسیونالیستهای ترک و دولت های وقت ترکیه انجام شده، نپذیرفته است و عذرخواهی نکرده است. بلکه میگویند ارمنیان و آسوریان به دلیل حمایت از روسیه در حمله به حکومت عثمانی در اوایل جنگ اول جهانی کشتار شدند و مستوجب آن بودند. به همین سادگی جنایت و قتل عام بیش از یک میلیون و پانصد هزار نفر از مردم، توسط ناسیونالیستها و اسلامی ها توجیه میشود. و لازم به ذکر است که در کشتار مردم ارمنی و آسوری، گفته میشود که ناسیونالیستهای کرد نیز دست داشته اند و در مناطق زیر نفوذ خود به پاکسازی قومی دست زده اند.

**مذهب و ناسیونالیسم**

نفس یادآوری این تاریخ پراز جنگ و خون و درد و مشقت، سند محکومیت همه دولتها و جنبشها و احزاب ناسیونالیست و مذهبی و مدافع سرمایه داری است. مذهب و ناسیونالیسم از هر نوع و مربوط به هر ملت و منطقه ای، جنبشهایی هستند که پایه و اساس آنها بر تفرقه میان مردم قرار دارد. تاریخ سازیهای غیر واقعی، تقدیس ملت و قوم خودی، و نفرت و تحقیر مردم دیگر اساس و تعریف ناسیونالیسم است. مذهب نیز دقیقاً به همین سیاق مردم را به دستجات مختلف و متضاد تقسیم میکند و اعتقادات خرافی یکی را بر دیگران ارجح می شمارد و توده های محروم مردم را به امیدها و دلایل واهی به جان هم می اندازد. این تنها راه سر کار ماندن و قدرت گیری یک اقلیت مفت خور در مقاطع مختلف تاریخی و سلطه ستمگران و چپاولگران بی خاصیت بر اکثریت مردم بوده است.

طی یکی دو قرن اخیر تاکنون تاریخ بشر پر است از فجایعی بسیار دردناک و فراموش نشدنی از فجایعی که ناسیونالیستها دست در دست مذاهب گوناگون به سر مردم آورده اند. با اعمال ستم و تبعیض ملی و قومی بخشهایی از مردم نظیر مردم کرد را از زندگی انسانی محروم کرده اند، زندگی را بر بخشهای مختلف مردم به بهانه های



مختلف سیاه کرده اند. بیرحمانه کشتار کرده اند. تجاوز کرده اند. بیخانمان کرده اند. کودکان را کشتار کرده اند و یا به بردگی کشانده اند و الی آخر. مرور تاریخ تاکنونی بشر برآستی دردناک و شرم آور است، و اگر کسی باید عذرخواهی کند، همه سران جنبشهای ناسیونالیستی و مذهبی هستند که همه جا در خدمت طبقات دارا و مفت خور بوده اند. باید از این تاریخ درس گرفت. دوره این دو جنبش کثیف اساساً و تاریخاً تمام شده است. اینها دست و پا میزنند و همانگونه که طی دو دهه گذشته شاهد تروریسم اسلامی بوده ایم، اگر بتوانند جنایت میکنند. زیرا راه دیگری برای بقا ندارند. مذهب و ناسیونالیسم دو جنبش متفاوت با تاریخ متفاوتند. منشاء مذهب به عهد برده داری بر میگردد و تاریخ ناسیونالیسم به چند صد سال اخیر و عروج سرمایه داری مربوط است. اولی یعنی مذهب قبلاً عمرش تمام شده و دومی اکنون در دوره اخیر به ته خط رسیده است. اما هردوی اینها به طور مصنوعی و به کمک اقلیت حاکم سرمایه دار

### تیراندازی ماموران رژیم بسوی کارگران مرزی

عمومی ساسان نیز بنام "خالد فرخی شدت زخمی شد.

ساسان فرخی فرزند محمود اهل روستای ساکا "سوما و برا دوست" از منطقه سلماس و ارومیه به هنگام بازگشت به محل سکونت خود مورد اثابت گلوله نیروهای سرکوبگر و آدمکش جمهوری اسلامی قرار گرفت و بلافاصله جان باخت.\*



روز پنجشنبه چهارم آذر ماه یک کارگر مرزی بنام "ساسان فرخی" بر اثر تیراندازی ماموران رژیم جان خود را از دست داد.

## از صفحه ۱ انقلاب مصر و چالشها ..



موضوعگیری نیروهای مسلح و ارتش، باعث شد که انقلاب سریعتر از آنچه تصور میشد بتواند مبارک را از قدرت ساقط کند. اگر چه واقعیتی در این ارزیابی هست، اما ناروشنی‌ها و همین موضوع باعث ایجاد توهم دردناکی علیه انقلاب مردم شد. بخشی از فعالین و مردم مصر به این نتیجه رسیدند که: "ملت و ارتش دست به دست هم داده و یکجا در برابر رژیم مبارک ایستاده اند" به همین دلیل ارتش در میان بخشی از مردم مصر قابل تحمل و بعضاً معتبر شد. در این فضای انقلابی که مردم در اوج قدرت خود بسر میبردند، توهم خطرناکی ایجاد گردید. در این فضای وهم آلود بود که ارتش قدرت را بعد از مبارک در دست گرفت. مردم انقلاب کرده دیکتاتور را انداختند اما قدرت را نگرفتند. دستگاه دیکتاتوری همچنان قدرت را در دستان خود نگاهداشت.

مبارک ساختار قدرت تغییر چندانی نکرد. حاکمان مصر، و ارتش و نیروهای مسلح و دیگر نیروهای امنیتی و زندان و دادگاه و قوانین با همان ذهنیت و طرز تفکر رژیم قبلی با مردم به مقابله پرداختند. نیروهای امنیتی و پلیس که در جریان انقلاب منتظر تعرض مردم و در هم شکستن کل دم و دستگاه دولت بودند، بعد از مدت کوتاهی به همان روشهای دوران مبارک رجعت کردند. برخوردشان با مردم معترض تفاوتی ماهوی با دستگاه امنیتی دوران حاکمیت مبارک نداشت. انگار تحول عمده‌ای در جامعه رخ نداده است که عملکرد پلیس را دچار تغییر کند. در آخرین درگیری مردم با نیروهای مسلح در میدان التحریر در روز شنبه ۲۰ نوامبر یکی از نیروهای مسلح که رو به مردم معترض شلیک میکرد، این چنین مورد تشویق همکار بغل دستیش قرار گرفت: "دست درد نکند درست به چشم او شلیک کردید. کار آن یکی تمام است." این گفتگو بوسیله خبرنگاران ضبط و منتشر شد.

علاوه بر این جالب است که به پرونده مبارک و دستیاران او دادگاههای غیر نظامی رسیدگی می کنند، اما غیرنظامیان معترض مثل دوران مبارک در دادگاههای نظامی محاکمه می شوند! در چنین شرایطی است که جوانان فعال در انقلاب و ویلاگنویسان به چندین سال زندان محکوم میشوند و قاتلین مردم و شلیک کنندگان بسوی مردم و جنایتکاران و شکنجه گران و... راحت و "وظیفشان" را انجام میدهند. ژنرال محمد حسین طنطاوی رئیس شورای عالی نظامی وقتی به عنوان شاهد در دادگاه محاکمه مبارک حاضر میشود حتی او را به قتل تظاهرکنندگان متهم نمیکند و طبعاً در مورد سی و سه سال جنایت

مبارک هم حرف زیادی زده نمیشود. به منظور تکمیل نفوذ ارتش در ساختار قدرت مصر سند مصوب ارتش مبنی بر اصول تعیین کننده قانون اساسی یا "وثیقه المبادئ الدستورية" ابلاغ شد. قرار است در چهارچوب این سند قانون اساسی آینده مصر بوسیله شورای تدوین قانون اساسی جدید تکمیل و برای تصویب به پارلمان آتی این کشور تسلیم شود.

در بند ۹ این سند قید شده است: "رسیدگی به مسایل مرتبط به نیروهای مسلح و بررسی موضوع بودجه آن تنها و تنها مسئولیت خود ارتش است، و در بودجه عمومی دولت، تنها رقم اجمالی بودجه ارتش ذکر شود. همچنین هرقانونی که در مورد ارتش صادر می شود، باید قبلاً به توافق ارتش رسیده باشد. این سند همچنین با صراحت اعلام کرده است که تنها ۲۰ تن از اعضای شورای تدوین قانون اساسی از میان اعضا پارلمان انتخاب می شوند و ۸۰ تن دیگر را شورای نظامی خارج از پارلمان تعیین می کند." این موارد بالا تنها نمونه هایی از تلاش ارتش به منظور تحکیم حاکمیت نظامیان در این کشور بعد از انقلاب است.

برای درک دقیقتر نقش ارتش و نظامیان در مصر نگاه مختصری به تاریخ تحولات مصر و نقش ارتش این کشور گویای تجارب گرانمایی است.

#### نگاهی به تاریخ و نقش نظامیان در مصر

نظامیان مصر تحت عنوان "جنش افسران آزاد" به فرماندهی محمد نجیب و رهبری جمال عبدالناصر در سال ۱۹۵۲ میلادی به قدرت رسیدند. تشکل افسران آزاد در ارتش مصرملک فاروق را با کودتا ساقط و پسرش را به جای او نشاند. این تحول فقط یک سال طول کشید و بعد از یک سال جمهوری مصر اعلام موجودیت کرد و ژنرال محمد نجیب رئیس جمهور مصر شد. اما طولی نکشید که اولین رئیس جمهور (محمد نجیب) استعفا کرد و جمال عبدالناصر رئیس جمهور مصر شد. مسئله محوری این دوره خلاصی از استعمار انگلیس و ملی کردن کانال سوئز بود. ناصر کانال سوئز را ملی اعلام کرد. در جهان دو قطبی آن

دوره جمال عبدالناصر خود را رهبر سوسیالیسم عربی معرفی میکرد و به قطب شرق نزدیک شد. این تحولات با افق ناسیونالیسم عربی و شعار استقلال خواهی و عدالت اجتماعی به رهبری ناصر هدایت میشد.

در بلوک غرب برخلاف انگلیس که دوران قدرتش رو به اتمام بود، آمریکا دوران قدرتیگری خود را در جهان طی و با تمام توان اسرائیل را در خاورمیانه تقویت میکرد. این رویکرد آمریکا برای تثبیت قدرت خود در منطقه راهی بجز شکست ناسیونالیسم عرب بویژه دولتهای طرفدار شرق در این منطقه نداشت. جمال عبدالناصر برجسته ترین رهبر ناسیونالیسم عرب و رئیس جمهور مصر طرفدار شرق بود. او رهبری جنگ اعراب علیه اسرائیل را به دست گرفته بود. آمریکا بوسیله اسرائیل باید او را سر جای خود مینشاند.

کمکهای بی دریغ آمریکا و بقیه متحدینش به اسرائیل پیروزی سریع اسرائیل در سال ۱۹۶۷ را به دنبال داشت. در این جنگ که به جنگ اعراب و اسرائیل مشهور شد ناصر را مثل بقیه حاکمان عرب با شکست سختی مواجه کرد. از این تاریخ ناسیونالیسم عرب با یک شکست و تحقیر تاریخی روبرو شد. شکست ناصر در عین حال شکست بلوک شرق در مقابل غرب در شمال آفریقا و خاورمیانه هم بود. جمال عبدالناصر بعد از این شکست اعلام کرد که از همه مناصب رسمی دولتی استعفا میدهد و در سیاست نینخواهد دخالت کند. اما به دلیل محبوبیتی که در جامعه مصر و در جنبش ناسیونالیستی عرب داشت به مدت سه سال تا پایان عمر خود همچنان رئیس جمهور باقی ماند. بعد از مرگ او معاونش انور سادات رئیس جمهور شد.

اما سادات برخلاف ناصر و با تجربه شکست دوستی ناصر با بلوک شرق به غرب روی آورد. او به عنوان رئیس جمهور پرو غرب مصر، با اسرائیل قرار داد صلح بست. در همین مراسم قرار داد صلح بود که یک نفر به اسم خالد اسلامبولی از جریانات اسلامی مصر او را ترور کرد. بعد از شکست ناسیونالیسم عرب به رهبری ناصر و قدر قدرتی

اسرائیل در منطقه جریانات ناراضی عرب به جنبش اسلامی پناه بردند. این ترور باعث شد که از یک طرف تروریست مزبور به عنوان قهرمان اسلامیها راه و روش مبارز در دور آتی را نشان دهد و از طرف دیگر زمینه رشد جریانات اسلامی را بیش از پیش فراهم کرد.

بعد از سادات حسنی مبارک معاون او به ریاست جمهوری رسید و استراتژی دوستی با آمریکا و صلح با اسرائیل را ادامه داد. اما مبارک فقط با سرکوب بیرحمانه مخالفین نمیتوانست بر مسند قدرت تکیه بزند. از آن زمان تا مقطع سرنگونی مبارک سرکوب خونین کمونیستها و سکولارها و آزادیخواهان مصر و مهار اسلامیها به عنوان دو پایه سیاست داخلی نظامیان به رهبری مبارک به اجرا گذاشته شد. حکومت و قوانین دوران مبارک در عین حال متکی بر ناسیونالیسم عربی و شریعت اسلامی بود.

به همین دلیل میدان فعالیت برای جریانات اسلامی تا حد دخالت محدود و کنترل شده در دولت و حاکمیت به رهبری ناسیونالیسم عربی مهیا بود. اما هیچ فضایی برای رشد جریانات کمونیست، سکولار و چپ مهیا نبود. این تاریخ مهر خود را بر تحولات بعدی و امروز مصر زده است.

بعد از سرنگونی مبارک یک بار دیگر فضای باز سیاسی میدان رقابت این سه جنبش (ناسیونالیسم عربی، اسلامیسیم و کمونیسم) را در عرصه سیاست و حاکمیت کشور مهیا کرده است. این جنبشها با وزن و تاثیر گذاری خود اکنون تلاش میکنند که مهر خود را بر روندهای آتی انقلاب و جامعه مصر بزنند.

اخوان المسلمین که از هشتاد سال قبل تا کنون به عنوان سازمان متشکل اسلامیها سابقه فعالیت دارد ابتدا نتوانست در انقلاب مردم مصر نقش برجسته ای ایفا کند. زیرا دوران جدید میدان مبارزه نسل جوان و جنبشهای مدرن از جمله جنبش کارگری بود. نسلی با افقها و امکانات رسانه ایی امروزی که فضای میدان التحریر و تمام عرصه های مبارزه علیه مبارک را اشغال کرده بود. سازمانهای چپ و سکولار قدیمی و با سابقه مصر نیز

"شورای عالی نظامی" متشکل از فرماندهان ارتش پس از بدست گرفتن قدرت، اعلام کرد که بیش از شش ماه در قدرت نخواهد ماند. اما پس از گذشت نزدیک به ده ماه پس از سرنگونی مبارک، فرماندهان نظامی مصر نه تنها قدرت را در دستان خود حفظ کرده بلکه قدم به قدم در راستای تحکیم موقعیت ارتش گام برداشتند.

در این مدت مردم به تجربه دیدند که بجز رفتن مبارک و تعدادی از وزیران او، تغییر قابل ملاحظه ای در کشور رخ نداده است. انگار انقلابی رخ نداده است. گویا انقلاب مردم قرار بود موقعیت نظامیان را در قدرت تحکیم کند!؟

واقعیت این بود که با رفتن

از صفحه ۳ **انقلاب مصر و چالشها...**

نتوانستند به عنوان نیروی شناخته شده و معتبر فضای سیاسی دوران انقلاب را هدایت کنند. با این حال یک تفاوت اساسی بین این دو جریان اپوزیسیون وجود داشت. چپها و سکولارها با "انقلاب جوانان" هماهنگ شدند و از فضای باز دوران انقلاب استفاده کرده و نفوذ و گسترش سازمانی خود را آغاز کردند. اتحادیه های کارگری به سازماندهی خود عمق و گسترش بیشتری دادند. جریانات چپ نفسی کشیده و بحث دخالت در ساختار سیاسی آینده جامعه و ساختن آینده کشور روی میز آنها قرار گرفته است و این روند همچنان ادامه دارد. با این وجود جریانات اسلامی به دلیل قدمت و سنت و تجربه فعالیت و امکانات مالی زیاد و کمک دیگر کشورهای عربی و اسلامی از یک طرف و به دلیل امکان سازش با ناسیونالیسم عرب و هماهنگ شدن با نظامیان حاکم و دول غرب از طرف دیگر هنوز شانس بیشتری از بقیه جریانات سیاسی اپوزیسیون را دارند. اما چپ با ادامه انقلاب بیش از پیش توان و شانس بیشتری برای دخالت در سرنوشت جامعه پیدا میکند.

به یک معنا سوال این است که در جدال این سه جنبش با در نظر گرفتن تمام جوانب پیچیدگی اوضاع چه کسی پیروزی نهایی را از آن خود خواهد کرد؟

اکنون با آغاز دوباره به میدان آمدن مردم در مصر میدان بازی و شیب زمین در دوره های انقلابی به نفع چپ و سکولاریسم است. اما جنبش کمونیستی و چپ در این جوامع فقط هنگامی میتواند به پیروزی برسد که آلترناتیو حکومتی قابل اعتمادی به جامعه معرفی کنند.

چپ و بویژه کمونیستها باید دست بردن به قدرت سیاسی و دخالت در سطح ماکرو را وظیفه همین امروز خود بدانند و از نقش اپوزیسیون به پوزیسیون نقل مکان کنند. آخرین اخبار حاکی است که بخشی از چپها حتی در این اوضاع برنامه شرکت در انتخابات و یا دخالت در جنگ و جدال بر سر قدرت سیاسی را ندارند. اما کمونیستهای انقلابی و کارگری راهی بجز ادامه

انقلاب برای پیروزی ندارند. بدون دخالت فعال چپ، بدون وجود اشتباهی کمونیستها برای ایفای نقش در ابعاد ماکرو و بدون مهیا شدن این شرایط در بهترین حالت جامعه ناچار است با تحمیل اصلاحاتی ناپایدار به حاکمیت یک نوع

ناسیونالیسم عربی با رنگ و لعاب اسلامی تن بدهد.

اما مانع اصلی برای پیشروی همین امروز کمونیسم و چپ و سکولاریسم در جامعه ای مثل مصر وجود و حفظ ارکان دیکتاتوری در مصر است. بنابر این ادامه انقلاب از راه در هم شکستن ماشین دولتی و کل میراث مبارک میگذرد. تا هنگامیکه ارتش و دم و دستگاه سرکوبگر دولتی سر جای خود قرار دارد و فقط مبارک رفته باشد و ارکانهای حکومت در هم نشکسته باشد / نباید انتظار تحول جدیدی در آینده مصر داشت. پیش شرط هر نوع تحول انقلابی به نفع مردم و پیش شرط پیروزی انقلاب در مصر در هم شکستن ماشین دولتی است. با حفظ این ماشین سرکوبگر نباید انتظار داشت که انقلاب به پیروزی برسد نه تنها این بلکه اصلاحات تحمیل شده دوران انقلابی بعد از تشبیت قدرت اسلامیها و ناسیونالیستها قابل باز پس گیری میباشد.

### انقلاب دوم در مصر یا ادامه انقلاب؟

خوشبختانه مردم و جوانان به پا خاسته باز هم به میدان آمده اند. انقلاب میتواند پیشروی کند و تعمیق پیدا کند.

انقلاب دوم یا ادامه انقلاب، هر اسمی روی این فاز تازه به میدان آمدن مردم مصر گذاشته شود، در عمل یک اتفاق مهم می افتد. انقلاب در فاز اول مبارک را ساقط کرد، اینبار حکومت نظامیها به رهبری طنطاوی را به چالش طلبیده است. به هر حال موضوع این است که میدان التحریر یک بار دیگر قد علم کرده است و حاکمان فعلی مصر را با تشمت و سردرگمی مواجه کرده است. باز هم صفحه تلویزیونها و رسانه های رسمی و اجتماعی را جنگ و گریز خیابانی مردم انقلابی علیه نیروهای مسلح مصر اشغال کرده است.

در این دوره اگر چه حرف مردم حاضر در التحریر اینست که نظامیان باید بروند، اما رسانه های بین المللی از خواست تحویل قدرت نظامیان به غیر نظامیان حرف میزنند! این خواست از سوی

معترضین و مردم میتواند یک تاکتیک درست باشد، به شرطی که استراتژی در هم شکستن کل دستگاه دیکتاتوری و آلترناتیو خود یعنی حاکمیت شوراهاى مردم را در افق داشته باشد. بدون این استراتژی و بدون دخالت سازمان یافته طبقه کارگرد کارخانه و مردم درمحل زیست و کار، انقلاب مردم مصر برای آزادی و علیه فقر / نمیتواند به پیروز منجر شود.

نگاهها بسوی میدان التحریر است. در این گوشه از جهان قرار است تکلیف انقلابی روشن شود که میتواند در کشورهای عربی و در "بهار عرب" و حتی در جهان تاثیر تعیین کننده داشته باشد. مردم انقلابی مصر راه نشان میدهند، می جنگند و پیش میروند و وظیفه رهبران و چپ در آن جامعه اینست که یکقدم جلوتر را دیده و راه پیشروی بیشتر و بویژه راه قدرت گرفتن و نقش بازی کردن در قدرت سیاسی را به مردم نشان بدهد.

وظیفه چپ و کمونیسم امروز این نیست که با زیر و بم اعتراضات خیابانی پارامتر روحیه اش بالا و پایین برود. کمونیسم کارگری باید با هر نیرو و قدرتی که امروز دارد برای قدرت گیری خود استراتژی سیاسی کسب قدرت و افق آینده را بدون کم و کاست جلو جامعه قرار بدهد. قدرت گیری چپ، سکولاریسم و کمونیسم کارگری راهی بجز ادامه انقلاب و در هم شکستن ماشین دولتی ندارد. همزمان با ادامه انقلاب باید با استقرار شوراهاى کارگران و مردم در محل کار و زیست، مرحله اول اعمال قدرت دوگانه را تحمیل کند و در نهایت با کسب تمام قدرت در جامعه، از حرمت و حقوق انسانی مردم به تمام معنا دفاع کند. این راهی است که کمونیسم امروز در مصر با اتکا به جنبش کارگری و دیگر کانونهای قدرتیگری خود یعنی سازمان دادن جوانان و زنان و همه اقشار تحت ستم جامعه باید در پیش گیرد.

معلوم است که استراتژی کسب قدرت در یک جامعه انقلابی بسیار پیچیده تر و چند وجهی تر از این نکات گفته شده است. اما بدون این افق و بدون این استراتژی در مراحل بعدی جریانات اسلامی و ناسیونالیستی امکان این را پیدا

خواهند کرد که سر انقلاب را ببرند. این امر برای ما کمونیستهای کارگری در ایران به دلیل تجارب یک انقلاب شکست خورده و به دلیل گذر از محدودیتهای فکری و جنبشی چپ سنتی و حاشیه ای که رادیکالترینش در دوران انقلاب ۵۷ مشغول مبارزه صنفی در کارخانه بود و روح زمان خود را تشخیص نمیداد آشنا است. در انقلاب سال ۱۹۷۹ ایران بعد از تعیین تکلیف قدرت، جریانات اسلامی همه اپوزیسیون رادیکال و حتی رفرمیست را از دم تیغ گذراندند. این بخشی از تجارب تلخ ما مردم ایران است. اما منطقی این تجارب برای کارگر و کمونیست مصری نه تاریخ گذشته که چالشهای آینده اش است.

در این میان جریانات چپ بویژه چپ ایران به دلیل افق و فرهنگ سنتی جان سختی که در سیاست آن لانه کرده است با دیدن توده چند ده هزار نفری در التحریر و یا خالی شدن این میدانی از تظاهرات و تجمع بلا فاصله پیروزی و شکست را نتیجه میگیرد. نگرش این چپ با توجه به محدودیت فکری و جنبشی آن در نهایت جنبشهای اجتماعی پایداری هستند که تعیین کننده سیاست و فرهنگ و اقتصاد جوامع میباشد. جوانان فیس بوکی و کارگران متشکل و غیر متشکل و زنان معترض و مدرن وهمچنین سنتی و همه الیت جامعه و مردم آزادیخواه همگی در نهایت افق شان را از جنبشهای معینی میگیرند. جنبشهای سنت دار و پایدار جامعه مصر در یک بعد کلی عبارتند از اسلامیسیم، ناسیونالیسم و کمونیسم. هر اتفاقی در آن جامعه بیفتد در نهایت یکی و یا ترکیبی از این جنبشها را به قدرت میرساند. در دل انقلاب هم هر کدام از این جنبشها سعی میکنند رنگ خودشان را به آن بزنند. کسی که نقش تعیین کننده جنبشها و به یک معنا نقش طبقات را فراموش میکند و فقط ظاهر قضایا را میبیند افق اش از ژورنالیسم سطحی رسانه های رسمی فراتر نمیرود. این هشدار برای کمونیستها در ایران هم هست.\*

# گزارش تصویری از مراسم بیستمین سالگرد تشکیل حزب در استکهلم



## شماره حساب و تلفن تماس برای کمک مالی

## سوئد:

Sweden  
Post Giro: 6396060-3  
account holder: IKK

برای کمک مالی به کانال جدید در سوئد همچنین میتوانید با فواد روشن با شماره تلفن ۰۷۰۸۲۷۱۴۵۳ تماس بگیرید، تا با دادن شماره حساب خود اتوماتیک هر مقدار که مایل باشید از حساب شما برداشته شود.

## آلمان:

Germany  
Rosa Mai  
Konto. Nr.: 583657502  
Bankleitzahl: 37010050  
Post Bank

## کانادا:

Canada  
ICRC  
Scotiabank  
4900  
Dixie Rd, Mississauga  
L4W2R1  
Account #: 843920026913

## هلند:

Bank: RABOBANK  
Darande hesab: FVIVN  
Shomare hesab: 151350248  
Adres: EINDHOVEN  
IBAN No: NL774 RABO 0151350248

## آمریکا:

Bank of America  
G Street, Blaine, Wa 98230277  
phone # 1-360-332-5711  
Masoud Azarnoush  
Account number : 99-41581083  
wire: ABA routing # 026009593  
Nrswwift code : BOFAUS

## شماره حساب انگلیس

## ویژه کمک از انگلیس و از هر کشور دیگر:

England  
Account nr. 45477981  
sort code: 60-24-23  
Account hold: wpi  
branch: Wood Green  
Bank: NatWest  
NWBK IBAN: GB 77 NWBK6024235477981  
BIC: NWBK GB 2L

سوالی دارید میتوانید با شماره های زیر تماس بگیرید:

## از اروپا:

سیامک بهاری: ۰۰۴۶۷۳۹۸۶۸۰۵۱

## کانادا و آمریکا:

فاتح بهرامی: ۰۰۱۴۱۶۷۲۹۷۲۵۷  
مصطفی صابر: ۰۰۱۶۰۴۷۳۰۵۵۶۶

## از ایران:

عبدل کلپریان: ۰۰۳۵۸۴۰۵۷۵۸۲۵۰

همکار نشریه ایسکرا: آوات فرخی

E-Mail: awat.farokhi@yahoo.com

## رضا شهابی عضو هیات مدیره سندیکای واحد در زندان جمهوری اسلامی در خطر فلج شدن است رضا شهابی باید فوراً از زندان آزاد شود



رضا شهابی از ۲۲ خرداد ۸۹ در زندان است و زیر شکنجه و آزار قرار دارد. جرم رضا شهابی مبارزات با شکوه کارگران شرکت واحد در سال ۸۴ و تلاش این کارگران برای ایجاد تشکل خود، سندیکای شرکت واحد است. با اعتراضی جهانی خواهان آزادی فوری و بدون قید و شرط رضا شهابی از زندان شومیم.

کارگر زندانی، زندانی سیاسی

آزاد باید گردد

کمپین برای آزادی

کارگران زندانی

۵ آذر ۱۳۹۰

۲۶ نوامبر ۲۰۱۱

داد. رضا شهابی در اعتراض به این وضعیت از روز اول آذر ماه دست به اعتصاب غذا زده است. این درحالیست که به گفته پزشکان غرضوف مابین مهرهای ۳، ۴، ۵، ۶ و ۷ ستون فقرات وی از بین رفته و احتمال پاره شدن اعصاب و در نتیجه از کار افتادن دست و پای چپ اوست و بدین شکل خطر فلج شدن وی را تهدید میکند.

وضعیت وخیم جسمی رضا

خانواده او و دوستان و همکارانش را بشدت نگران کرده است. وضعیت او اضطراری است. جمهوری اسلامی باید بخاطر این جنایاتش در سطح جهانی محکوم شود.

بنا بر خبر منتشر شده از سوی سندیکای شرکت واحد، رضا شهابی عضو هیات مدیره این سندیکا روز یکشنبه ۲۹ آبان در تماس با خانواده اش اعلام کرده است که در انتقال وی به بیمارستان، پزشکان متخصص اعلام کرده اند که باید وی تحت عمل جراحی قرار گیرد. اما رضا شهابی گفته است که تا تعیین تکلیف پرونده اش اجازه جراحی را نخواهد

### کارگران فضای سبز شهر سنجند ...

از صفحه ۱

بیمه های آنان رد نمی شود تا اینکه بار دیگر از اول اسفند هر سال شروع بکار کنند.

این کارگران از آنجا که مدت ۹ ماه از سال را در فضای سبز شهر سنجند کار میکنند خواهان برقراری دستمزد و بیمه های خود در طول سه ماه دیگر سال یعنی از اول آذر تا اول اسفند ماه هستند.

به نقل از سایت اتحادیه

۶ آذر ۱۳۹۰



مرکزی سنجند به این کارگران پیبوندند.

مجموع کارگران فضای سبز شهر سنجند حدود ۲۰۰ نفر هستند که هر

۹ و نیم تا ۱۱ و نیم شب به وقت ایران

هات برد ۸ فرکانس: ۱۱۶۰۴  
اف ای سی: ۵/۶ شبکه KBC  
پلار یزاسیون: افقی  
سیمبل ریت: ۲۷۵۰۰

کانال جدید

مرگ بر جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!